

تأثیر عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه بر کیفیت گزارشگری مالی با تأکید بر

اجتناب مالیاتی

محمد آزادپور^۱

حیدر محمدزاده سالطه^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۲

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، تأثیر عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه بر کیفیت گزارشگری مالی با تأکید بر اجتناب مالیاتی در ایران می‌باشد. عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه شامل فرصت‌های رشد، حاشیه سودآوری، رقابت در بازار محصول و تمرکز مالکیت می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره پژوهش از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ می‌باشد. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها از آزمون رگرسیونی خطی چند متغیره استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد معیارهای عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد. همچنین، اجتناب مالیاتی بر ارتباط بین معیارهای عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد.

واژه‌های کلیدی: هزینه‌های محرمانه، کیفیت گزارشگری مالی، اجتناب مالیاتی

۱. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرند azadpoor45@gmail.com

۲. دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرند (نویسنده مسئول) salteh2008@gmail.com

۱- مقدمه

بازار سرمایه به عنوان موتور محرکه اقتصاد بر محور اطلاعات قرار دارد. جریان درست اطلاعات در این بازار منجر به اتخاذ تصمیمات صحیح و منطقی از سوی مشارکت کنندگان می شود و در نهایت، توسعه اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی را به ارمغان می آورد. متأسفانه در سال های پایانی قرن بیستم میلادی و در آستانه ورود به قرن بیست و یکم، ورشکستگی شرکت های عظیم نظیر انرون، وردکام، آدلفی، سیسکو، لیوسنت و زیراکس، سیستم گزارشگری مالی را با بحران مواجه کرد. ورشکستگی چنین شرکت هایی باعث نشانه رفتن انگشت اتهام به سوی حسابداری و گزارشگری مالی شد، به طوری که در موارد متعدد از این وقایع به عنوان رسوایی حسابداری یاد شد. اما این، خاتمه کار نبود، بلکه سیستم گزارشگری مالی به دلیل خدشه دار شدن اعتبار آن، همواره در جلب اعتماد عمومی با بحران هایی مواجه شد (بولو، ۱۳۸۶).

افزایش شمار تقلب ها که با ورشکستگی شرکت های بزرگ در هم آمیخته بود، نگرانی هایی را درباره کیفیت گزارش های مالی به همراه داشت. حرفه حسابداری و حسابرسی در راستای چاره جویی در این خصوص به تدبیر راهکارهایی همت گمارد. تغییر رویکرد تدوین استانداردهای حسابداری از استانداردهای مبتنی بر قواعد به استانداردهای مبتنی بر اصول، تأکید بر استقلال حسابرسان و حاکمیت شرکتی برای حمایت از منافع سهامداران جزء و تنظیم مقررات انتظامی حرفه حسابداری و حسابرسی از جمله تدابیر اتخاذ شده برای جلب اعتماد عمومی بود. از سوی دیگر، صاحب نظران و اندیشمندان دانشگاهی نیز به سهم خود، سمت و سوی تحقیقات تجربی را به کیفیت گزارشگری مالی و اثرات آن بر بازار سرمایه سوق دادند تا بلکه بتوانند در این خصوص نقش مفیدی را ایفا نمایند.

گزارش های مالی از مهمترین منابع اطلاعاتی است که هدف آن فراهم کردن اطلاعات لازم برای تصمیم گیری های اقتصادی می باشد و بخش اعظمی از نیاز اطلاعاتی بازار سرمایه را تأمین می کند. در حال حاضر در ارتباط با کیفیت گزارشگری مالی و اندازه گیری آن و نیز تأثیر دستورالعمل ها و استانداردهای حسابداری بر کیفیت گزارشگری مالی تحقیقاتی درحال انجام است. بسیاری از این تحقیقات، کیفیت گزارشگری مالی شرکت ها را با دیدگاه رویکرد رویدادی، صرفاً به استانداردها و رهنمودهای حسابداری و گزارشگری مالی نسبت داده و درصدد تبیین کیفیت گزارشگری مالی از منظر دستورالعمل های بیرونی ناظر بر آن برآمده اند. اما با وجود مکانیزم های نظارتی یکسان برای گزارشگری مالی شرکت ها، به نظر می رسد کیفیت گزارشگری مالی آنها یکسان نیست و این امر بیانگر آن است که احتمالاً عوامل دیگری وجود دارد که باعث ایجاد تفاوت در کیفیت گزارشگری مالی شرکت ها می گردد.

این تحقیق چشم‌انداز جدیدی را به موضوع کیفیت گزارشگری مالی می‌گشاید و با درون‌زا فرض نمودن کیفیت گزارشگری مالی، تلاش می‌نماید تأثیر عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه از قبیل فرصت‌های رشد، رقابت در بازار محصول، حاشیه سودآوری، تمرکز مالکیت بر کیفیت گزارشگری مالی و تأثیر اجتناب مالیاتی بر ارتباط بین این عوامل و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را ارزیابی نماید. این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال می‌باشد که آیا عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد؟ آیا اجتناب مالیاتی بر هزینه‌های محرمانه و ارتباط آن با کیفیت گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد؟

در ادامه مقاله ابتدا به بیان مبانی نظری و سپس به بررسی پیشینه پژوهش خواهیم پرداخت. در بخش بعدی به متغیرها و نحوه سنجش آنها و روش آزمون فرضیه‌ها اشاره می‌شود. در بخش پایانی نیز پیشنهاداتی پیرامون فرضیات پژوهش و پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی ارائه شده و در نهایت منابع تحقیق بیان خواهند شد.

۲- مبانی نظری

مبانی نظری حسابداری مالی به‌عنوان یک منشور، اهداف و مقاصد گزارشگری مالی، ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی و معیارهای شناخت و اندازه‌گیری گزارش‌های مالی را تعیین می‌کند و به‌عنوان راهنمای تدوین استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی محسوب می‌شود، زیرا تهیه اطلاعات مالی بدون بهره‌مندی از مبانی نظری و استانداردهای حسابداری، در محیط پیچیده و چالش برانگیز امروز، سلیقه‌ای، بی‌محتوا و جانبدارانه خواهد بود.

نتایج تحقیقات انجام شده توسط گلوستن و میلگرام (۱۹۸۵)، امپهود و مندلسون (۱۹۸۹)، دیاموند و ورکچیا (۱۹۹۱) و اسیلی و اوهارا (۲۰۰۳) نشان می‌دهد افزایش کیفیت اطلاعات مالی به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام منجر می‌گردد. با این حال، باوجود منافع زیادی که می‌توان از فراهم ساختن اطلاعات مالی با کیفیت به دست‌آورد، بسیاری از شرکت‌ها تصمیمی مغایر با حداکثر کیفیت برای گزارشگری مالی را اتخاذ می‌کنند. این تصمیم احتمالاً هزینه‌های بالقوه مرتبط با گزارشگری مالی با کیفیت را مدّ نظر قرار می‌دهد. برای مثال، ارائه اطلاعات مالی با کیفیت بالا، در صورت محرمانه بودن اطلاعات، ممکن است به تضعیف موقعیت رقابتی در بازار محصول شرکت منجر گردد. بنابراین، از جمله موضوعات بسیار مهم که در حال حاضر در اکثر پژوهش‌ها مورد توجه است، بحث اجتناب و فرار مالیاتی و عوامل مؤثر بر آن و نتایجی است که از آن حاصل می‌شود.

رفتارهای اجتناب و فرار مالیاتی دارای یک منفعت کاملاً مشهود، یعنی کاهش مالیات شرکت است. با این وجود، اجتناب مالیاتی هزینه‌های با اهمیت را نیز به شرکت تحمیل می‌کند. این هزینه‌ها شامل هزینه پیاده‌سازی استراتژی‌ها و برنامه‌های اجتناب مالیاتی، هزینه‌های جریمه و لطمه به اعتبار و شهرت شرکت در صورت کشف اجتناب مالیاتی و هزینه‌های مربوط به افزایش پیچیدگی‌های سازمانی و کاهش شفافیت گزارشگری مالی است (بالاکریشن و همکاران، ۲۰۱۲؛ هانلون و سلمورد، ۲۰۰۹؛ ویلسون، ۲۰۰۹). نقطه ضعف عمده بسیاری از مطالعات تجربی انجام شده درباره کیفیت گزارشگری، عدم توجه به ماهیت درون‌زای تصمیم درباره کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد.

هزینه محرمانه و کیفیت گزارشگری مالی

گرچه گزارشگری مالی با کیفیت، نتایج مثبت زیادی در پی دارد، برخی دیدگاه‌ها هزینه‌های محرمانه احتمالی آن را بیشتر از منافع آن می‌دانند. برخی از استدلال‌های ارائه شده برای این نوع نگرش به شرح زیر مطرح می‌گردد (میلر و بانسون، ۱۹۹۹).

الف- هزینه فراهم آوردن اطلاعات لازم برای گزارشگری مالی باکیفیت: برخی از مدیران به بخش گزارشگری مالی به عنوان مرکز هزینه نگاه می‌کنند و دقت و کیفیت اندازه‌گیری‌ها و برآوردها و نیز حد و مرز پاسخگویی را بر اساس میزان مخارج قابل تحمیل تعریف می‌کنند.

ب- یاری رسانی رقیب: برخی از گروه‌ها معتقدند که گزارش اطلاعات دقیق و باکیفیت، به رقبای بالفعل و بالقوه در بازار محصول و خدمت کمک خواهد کرد و فرصت‌های رشد و نوآوری، وضعیت منحصر به فرد و استراتژی‌ها و مزیت‌های رقابتی را به مخاطره خواهد انداخت.

ج- نوسان‌پذیری و رویدادهای غیرمنتظره: گروهی معتقدند که بازار کارا از نوسان‌پذیری و رویدادهای غیر منتظره متنفر است و سرمایه‌گذاران از شنیدن اخبار بد غیرمنتظره یا غیر قابل کمی سازی هراس زده می‌شوند. بنابراین گزارش‌های مالی صرفاً باید رویدادهای یکنواخت و عادی را نمایش دهد و نباید موجبات پریشانی خاطر مشارکت‌کنندگان بازار را فراهم نمایند.

د- خطر پیشرو بودن: گروهی نیز به دلیل عدم اعتقاد به پیامدهای مطلوب کیفیت گزارشگری مالی تلاش می‌کنند تا در این زمینه، پیشرو نباشند و نوآوری در گزارشگری مالی را با خطر همراه می‌دانند. بر اساس مبانی نظری، برخی از عوامل مرتبط با هزینه‌های محرمانه در ادامه تشریح می‌شود.

فرصت‌های رشد و کیفیت گزارشگری مالی

هرقدر نوآوری در بازار و اتکاء به سرمایه‌های فکری و دارایی‌های نامشهود بیشتر باشد، احتمالاً نیاز به

سرمایه‌گذاری برای حفظ شرایط منحصر به فرد و فرصت‌های آتی افزایش خواهد یافت (عبدالحمیدی و دیگران، ۲۰۰۶). آنان به این نتیجه رسیدند هنگامی که شرکت‌ها برای ایجاد ارزش به فناوری و دارایی‌های نامشهود اتکاء می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که به دارایی‌های مشهود متکی هستند، تحلیل‌گران برای تحلیل آنها به استفاده بیشتر از اطلاعات بازار در مقایسه با اطلاعات صورت‌های مالی گرایش پیدا می‌کنند (کوهن، ۲۰۰۴). بین فرصت‌های رشد و کیفیت گزارشگری مالی رابطه‌ای مشاهده نکرد (کدخدایی و صابری، ۱۳۸۱). در بررسی برخی از عوامل مرتبط با کیفیت سود، به این نتیجه رسیدند که بین شاخص‌های رشد و کیفیت سود رابطه وجود ندارد (نیکومرام و نهندی، ۱۳۸۸).

حاشیه سود آوری و کیفیت گزارشگری مالی

بالا بودن حاشیه سودآوری علی‌رغم اینکه موجبات رضایتمندی گروه‌های ذینفع را فراهم می‌سازد، جلب رقابت در آینده و تهدید ناشی از ورود رقبای بالقوه را به همراه دارد. از سوی دیگر مطالعات تجربی (لنگ و لاندولهولم، ۱۹۹۴) نشان می‌دهد که عملکرد شرکت با کیفیت گزارشگری مالی و افشاء رابطه مثبت دارد (پیوتراسکی، ۲۰۰۳). وی اثبات نمود که بالا بودن حاشیه سودآوری موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود (کوهن، ۲۰۰۴) و بین حاشیه سودآوری و کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی وجود دارد و شرکت‌های با قدرت سودآوری بالا با هزینه‌های محرمانه زیادی رو به رو هستند.

اندازه شرکت و کیفیت گزارشگری مالی

گروهی از مطالعات نشان می‌دهد که اندازه شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت دارد و دلایلی مانند برقراری سیستم کنترل داخلی کارآمد، ارتباط با مؤسسات بزرگ حسابرسی و رعایت هزینه اعتبار و شهرت را از عوامل اصلی آن تلقی می‌کنند (بارتون و سیمکو، ۲۰۰۲). آنان نشان دادند که شرکت‌های بزرگ برای محقق ساختن انتظارات تحلیل‌گران تحت فشار زیادی قرار دارند (مایرز و اسکینز، ۲۰۰۲). تلسون و دیگران (۲۰۰۲) نشان می‌دهند که شرکت‌های بزرگ از قدرت چانه زنی بیشتری برخوردار هستند و حساب‌برسان با احتمال زیادی از پایین بودن کیفیت گزارش‌های مالی آنها چشم‌پوشی می‌کنند. گروه دیگری از مطالعات نشان می‌دهد که بین اندازه شرکت و کیفیت اقلام تعهدی رابطه‌ای مشاهده نمی‌شود (نیکومرام و نهندی، ۱۳۸۸) و یا اینکه اندازه شرکت تأثیر منفی بر کیفیت گزارشگری مالی دارد و برای این ادعا دلایل متعددی را بیان می‌کنند: نخست، شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچک در معرض فشارهای زیادی قرار دارند؛ دوم، شرکت‌های بزرگ از قدرت چانه‌زنی بیشتری با حساب‌برسان برخوردار هستند؛ و سوم، شرکت‌های بزرگ از امکان بیشتری برای استفاده از دامنه گسترده رویه‌های

حسابداری برخوردار هستند (نوروش و دیگران، ۱۳۸۵).

چرخه عملیاتی و کیفیت گزارشگری مالی

طولانی بودن چرخه عملیاتی موجب طولانی شدن فاصله زمانی تبدیل اقلام تعهدی به جریان های نقدی می شود که این امر موجب کاهش دقت پیش بینی اقلام تعهدی و کاهش کیفیت گزارشگری مالی می شود (دیچو و دیچو، ۲۰۰۲). آنان بین کیفیت گزارش های مالی و طول چرخه عملیاتی رابطه منفی پیدا کردند. به اعتقاد آنها چرخه عملیاتی طولانی تر نشان دهنده عدم اطمینان بیشتر، خطای در برآورد بیشتر و بنابراین کیفیت گزارشگری مالی پایین تر می باشد. کوهن (۲۰۰۴) بین طول چرخه عملیاتی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی مشاهده کرد. نوروش و دیگران (۱۳۸۵) بین طول چرخه عملیاتی شرکت و کیفیت اقلام تعهدی، رابطه ای بدست نیاوردند.

اهرم مالی و کیفیت گزارشگری مالی

لفت ویچ و دیگران (۱۹۸۱) بیان می کنند شرکت هایی که از اهرم بالایی برخوردارند دارای هزینه های نمایندگی بالاتر و بنابراین تقاضای بیشتر برای نظارت می باشند و از این رو به نظر می رسد کیفیت گزارشگری مالی با ساختار تأمین مالی شرکت در ارتباط باشد. اسمیت و وارنر (۱۹۷۹) و لفت ویچ (۱۹۸۰) اشاره می کنند در حالی که تا قبل از قرن نوزدهم شواهد اندکی مبنی بر استفاده از گزارش های مالی حسابرسی شده برای نظارت بر قراردادهای بدهی وجود داشت، اما امروزه شواهد فراوانی برای این موضوع وجود دارد. قراردادهای هم برای بدهی عمومی (یعنی بدهی هایی که به صورت عمومی مبادله می شود) و هم برای بدهی خصوصی، شامل قراردادهایی است که ارقام گزارش های مالی حسابرسی شده را برای محدود سازی اقدامات مدیریت مورد استفاده قرار می دهند.

اجتناب مالیاتی و کیفیت گزارشگری مالی

اجتناب مالیاتی که موجب کاهش خروج وجه نقد از شرکت به سوی دولت می شود، از گذشته به عنوان یک ارزش برای سهامداران تلقی می شده است. چشم انداز کلی اجتناب مالیاتی بر این نکته دلالت دارد که مدیران فرصت طلبی که بدنبال اجتناب از پرداخت مالیات هستند، به وسیله گزارشگری مالی به دنبال سوء استفاده های مالی هستند و بیشتر، این کار را در جهت منافع شخصی خود انجام می دهند.

کیفیت در گزارشگری مالی سبب تسهیل نظارت بر عملکرد مدیران از سوی سهامداران می شود. حال آنکه با وجود عدم کیفیت در گزارشگری مالی، کنترل و نظارت سهامداران بر مدیران کاهش خواهد یافت. همچنین مدیران فرصت طلب از سایر روش ها و تکنیک ها برای پرداخت مالیات کمتر استفاده می کنند که

این امر سبب تحمل هزینه‌هایی برای مالکان شرکت خواهد شد.

عدم هماهنگی بین اصول پذیرفته شده حسابداری و قوانین مالیاتی این فرصت را برای شرکت‌ها فراهم می‌سازد که به‌طور همزمان سود دفتری‌شان را به سمت بالا و سود مشمول مالیاتشان را به سمت پایین مدیریت کنند. فعالیت‌های پنهان‌سازی مالیاتی نشان می‌دهد که برخی شرکت‌ها تمایل دارند در گزارشگری مالی متهورانه وارد شوند و سود دفتری و سود مشمول مالیاتشان را در یک دوره مالی تحت تأثیر قرار دهند. لذا این تحقیق به دنبال بررسی اثربطه اجتناب مالیاتی با گزارشگری مالی متهورانه در شرکت‌ها می‌باشد. این تحقیق به این سؤال می‌پردازد که آیا شرکت‌هایی که دارای گزارشگری مالی متهورانه هستند، اجتناب مالیاتی بیشتری دارند یا خیر؟ برای سنجش گزارشگری مالی متهورانه از مدل کیفیت گزارشگری مالی کوهن (۲۰۰۶) استفاده شد.

از دیدگاه نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی است (هانلون و همکاران، ۲۰۱۰). فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی، اما اجتناب مالیاتی، در واقع نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است. بنابراین، از آنجایی که اجتناب مالیاتی، فعالیتی به ظاهر قانونی است به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی است و به‌طور عمده قوانین محدودکننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد (محمد جم، ۱۳۷۹). بنابراین، به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند.

دسای و دارمپالا (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که اجتناب مالیاتی به احتمال زیاد موجب افزایش ارزش شرکت می‌شود. البته این مورد در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی صادق است. اما از طرفی برخی پژوهش‌ها بیان می‌دارد اثر نهایی اجتناب مالیاتی منفی است که در واقع بیان‌گر ریسک بالای فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌باشد. به‌طور نمونه هانلن و اسلمورد (۲۰۰۹) بیان می‌کنند که عکس‌العمل بازار و در نهایت قیمت سهام به موضوع اجتناب مالیاتی منفی است. همچنین یافته‌های برخی پژوهش‌ها بیان می‌دارد ارزش شرکت‌ها همراه با افزایش رفتار اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد (ونگ، ۲۰۱۰).

۳- پیشینه تجربی

ایسلی و اوهارا (۲۰۰۴) رابطه بین ساختار اطلاعات از نظر محرمانه یا عمومی بودن و هزینه سرمایه را مورد ارزیابی و مطالعه قرار دادند. نتایج مطالعات آنها نشان داد افزایش میزان اطلاعات محرمانه در ساختار اطلاعات، موجب افزایش ریسک سرمایه‌گذاری ناآگاهانه می‌شود، زیرا سرمایه‌گذاران آگاه بهتر می‌توانند

سبد اوراق بهادار خود را در واکنش به اطلاعات جدید اصلاح کنند. آنها معتقد بودند که شرکت‌ها می‌توانند از طریق افزایش دقت و کمیت اطلاعات فراهم شده برای سرمایه‌گذاران، هزینه سرمایه خود را کاهش دهند.

یتمن و یتمن (۲۰۰۴) آثار نظارت را بر کیفیت گزارشگری مالی سازمان‌های غیرانتفاعی مورد مطالعه قرار دادند. نتایج مطالعات آنها نشان داد افزایش نظارت و کنترل، موجب بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. همچنین معیارهای نظارتی مبتنی بر بازار در مقایسه با معیارهای نظارتی مبتنی بر مقررات، تأثیر با ثبات‌تری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد.

کوهن (۲۰۰۴) با انجام تحقیقی به مطالعه برخی از عوامل مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی مبادرت کرد. بر اساس نتایج تحقیقات وی، سیاست‌های گزارشگری مالی شرکت‌ها متأثر از پراکندگی مالکیت و ویژگی‌های بازار محصول شرکت می‌باشد. شرکت‌ها میان منافع ارزشیابی بازار سرمایه بر اثر افشای اطلاعات مالی با کیفیت و هزینه‌های محرمانه‌ای که تصمیمات آنها در خصوص کیفیت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، توازن برقرار می‌کنند. او بین کیفیت گزارشگری مالی و هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه معنی‌داری پیدا نکرد.

در ایران نیز تحقیقاتی که از نظر موضوع و اهداف مشابه با این تحقیق باشد، انجام شده است. نیکومرام و بادآورنهنندی (۱۳۸۸) به بررسی، تبیین و ارائه الگویی برای تعیین ارزیابی عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران مبادرت کرد. یافته‌های تحقیق نشان داد که کیفیت گزارشگری مالی با حاشیه سودآوری و کارایی مدیریت شرکت رابطه مثبت و با رقابت در بازار محصول، محافظه‌کاری مدیریت، اندازه، سرمایه‌بر بودن فعالیت، چرخه عملیاتی و پیچیدگی محیط فعالیت شرکت رابطه منفی دارد. اما تحقیق زیر تا حدودی به موضوع مورد پژوهش ارتباط دارد.

زنجیردار و کرمی (۱۳۸۹) به بررسی ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران مبادرت نمود. آنچه در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی آزمون فرضیه‌های تحقیق مبنی بر رابطه معناداری متغیرهای مستقل و متغیرهای تعدیلی پژوهش با متغیر وابسته کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های موجود در بورس اوراق بهادار وجود دارد، این است که کیفیت گزارشگری مالی ارتباط مثبت و معناداری با کارایی سرمایه‌گذاری دارد و همچنین اندازه شرکت، فرصت‌های رشد بر روابط میان کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری تأثیرگذار هستند.

۴- فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه اول: فرصت‌های رشد بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.
- فرضیه دوم: رقابت در بازار محصول بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.
- فرضیه سوم: حاشیه سودآوری بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.
- فرضیه چهارم: مالکیت متمرکز بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.
- فرضیه پنجم: اجتناب مالیاتی بر ارتباط بین فرصت‌های رشد و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.
- فرضیه ششم: اجتناب مالیاتی بر ارتباط بین رقابت در بازار محصول و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.
- فرضیه هفتم: اجتناب مالیاتی بر ارتباط بین حاشیه سودآوری و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.
- فرضیه هشتم: اجتناب مالیاتی بر ارتباط بین مالکیت متمرکز و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر روش، در زمره پژوهش‌های توصیفی جای می‌گیرد. از نظر هدف جزء پژوهش‌های کاربردی است. طرح این پژوهش با استفاده از رویکرد پس رویدادی است.

جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و برای دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ می‌باشد، اما از اطلاعات مالی سال ۱۳۸۶ و ۱۳۹۴ نیز استفاده شده است. با توجه به طول دوره مورد بررسی، نمونه‌ها باید به نحوی انتخاب شوند که در این مدت، بازار فعال داشته باشند تا امکان آزمون فرضیه‌ها فراهم شود. بدین منظور طرح زیر برای انتخاب نمونه‌ها به کار گرفته شده است:

- (۱) وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه نداشته باشد.

- (۲) به دلیل همسانی تاریخ گزارشگری و حذف اثرات فصلی، سال مالی شرکت به ۲۹ اسفند ختم شود و شرکت در دوره مورد مطالعه، سال مالی خود را تغییر نداده باشد.

- (۳) جزء بانکها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ، بانک‌ها و لیزینگ‌ها) نباشد.

- (۴) اطلاعات مورد نیاز در دسترس باشد.

- (۵) جزء شرکت‌های فعال بورس بوده و یا حداقل در روزهای مورد بررسی فعال باشند.

- (۶) شرکت مورد نظر زیانده نباشد.

با توجه به اعمال محدودیت‌های فوق، ۱۲۶ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شده است.

جدول (۱) - نحوه نمونه گیری

۴۸۰	تعداد کل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
	کسر می شود:
(۸۹)	تعداد شرکت هایی که سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند نمی باشد و یا طی دوره تحقیق تغییر سال مالی داده باشند.
(۴۱)	تعداد شرکت هایی که در گروه شرکت های هلدینگ، سرمایه گذاری و یا واسطه گری های مالی بوده اند.
(۱۰۳)	تعداد شرکت هایی که اطلاعات کامل آن ها در دسترس نمی باشد.
(۱۰۷)	تعداد شرکت های که بیش از شش ماه توقف معاملاتی داشته اند.
(۱۴)	شرکت هایی که زیان ده هستند
۱۲۶	تعداد شرکت های نمونه

منبع: یافته های پژوهش

۶- مدل های مربوط به آزمون فرضیه های پژوهش

به منظور آزمون فرضیه اول از مدل رگرسیونی زیر بهره گرفته می شود:

$$FRQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OG_{it} + \beta_2 size_{it} + \beta_3 lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

در صورت معناداری ضریب متغیر فرصت های رشد (β_1) در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه اول پژوهش تأیید خواهد شد.

به منظور آزمون فرضیه دوم از مدل رگرسیونی زیر بهره گرفته می شود:

$$FRQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 COMP_{it} + \beta_2 size_{it} + \beta_3 lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

در صورت معناداری ضریب متغیر رقابت در بازار محصول (β_1) در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه دوم پژوهش تأیید خواهد شد.

به منظور آزمون فرضیه سوم از مدل رگرسیونی زیر بهره گرفته می شود:

$$FRQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 PROF_{it} + \beta_2 size_{it} + \beta_3 lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

در صورت معناداری ضریب متغیر حاشیه سودآوری (β_1) در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه سوم پژوهش

تأیید خواهد شد.

به منظور آزمون فرضیه چهارم از مدل رگرسیونی زیر بهره گرفته می‌شود:

$$FRQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 OG_{it} + \beta_2 size_{it} + \beta_3 lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

در صورت معناداری ضریب متغیر مالکیت متمرکز (β_1) در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه چهارم پژوهش تأیید خواهد شد.

به منظور آزمون فرضیه پنجم از مدل رگرسیونی زیر بهره گرفته می‌شود:

$$FRQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OG_{it} + \beta_2 TA_{it} + \beta_3 OG_{it} \times TA_{it}$$

$$+ \beta_4 size_{it} + \beta_5 Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

در صورت معناداری ضریب متغیر تعاملی فرصت‌های رشد * اجتناب مالیاتی (β_3) در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه پنجم پژوهش تأیید خواهد شد.

به منظور آزمون فرضیه ششم از مدل رگرسیونی زیر بهره گرفته می‌شود:

$$FRQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 COMP_{it} + \beta_2 TA_{it} + \beta_3 COMP_{it} \times TA_{it}$$

$$+ \beta_4 size_{it} + \beta_5 Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

در صورت معناداری ضریب متغیر تعاملی رقابت در بازار محصول * اجتناب مالیاتی (β_3) در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه ششم پژوهش تأیید خواهد شد.

به منظور آزمون فرضیه هفتم از مدل رگرسیونی زیر بهره گرفته می‌شود:

$$FRQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 PROF_{it} + \beta_2 TA_{it} + \beta_3 PROF_{it} \times TA_{it}$$

$$+ \beta_4 size_{it} + \beta_5 Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

در صورت معناداری ضریب متغیر تعاملی حاشیه سودآوری * اجتناب مالیاتی (β_3) در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه هفتم پژوهش تأیید خواهد شد.

به منظور آزمون فرضیه هشتم از مدل رگرسیونی زیر بهره گرفته می‌شود:

$$FRQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OWCO_{it} + \beta_2 TA_{it} + \beta_3 OWCO_{it} \times TA_{it}$$

$$+ \beta_4 size_{it} + \beta_5 Lev_{it} + \varepsilon_{it}$$

در صورت معناداری ضریب متغیر تعاملی مالکیت متمرکز*اجتناب مالیاتی (β_3) در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه هشتم پژوهش تأیید خواهد شد.

متغیر مستقل

۱. فرصت‌های رشد (OG): این متغیر به صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$GROWTH_{i,t} = \frac{P_t}{E_t}$$

P: قیمت بازار سهام

E: سود هر سهم

۲. رقابت در بازار محصول (COMP): در این پژوهش به منظور اندازه‌گیری رقابت بازار محصول از شاخص هرفیندال-هیرشمن، که از حال جمع توان دوم بازار کلیه بنگاه‌های فعال در صنعت به دست می‌آید استفاده شده است:

$$HHI = \sum_{i=1}^k S_i^2$$

که در آن HHI شاخص هرفیندال-هیرشمن، k تعداد بنگاه‌های فعال در بازار و S_i سهم بازار شرکت i ام است که از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$S_i = \frac{x_j}{\sum_{j=1}^n x_j}$$

که در آن x_j نشان دهنده فروش شرکت j ام و i نشان دهنده نوع صنعت است. شاخص هرفیندال-هیرشمن، میزان تمرکز صنعت را اندازه‌گیری می‌کند. هرچه این شاخص بزرگتر باشد، میزان تمرکز بیشتر بوده و رقابت کمتری در صنعت وجود دارد و بالعکس.

۳. حاشیه سودآوری (PROF): این متغیر به صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$PROF_{it} = (SALE_{i,t} - COGS_{i,t}) / SALE_{i,t}$$

$SALE_{i,t}$: فروش شرکت i در سال t

$COGS_{i,t}$: بهای تمام شده فروش شرکت i در سال t

۴. تمرکز مالکیت (OWCO): تمرکز مالکیت با استفاده از شاخص هرفیندال-هیرشمن (HHI) به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$HHI = \sum_{i=1}^n (Si)^2$$

Si: درصد مالکیت نهادی

متغیر وابسته

۱. کیفیت گزارشگری مالی (FRQ): دقت اطلاعات مالی به عنوان معیار اندازه‌گیری کیفیت آن در نظر گرفته می‌شود. برای اندازه‌گیری میزان دقت اطلاعات مالی به صورت تجربی، از پس‌ماندهای معادله رگرسیون پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده با استفاده از اجزای تشکیل‌دهنده سود عملیاتی حسابداری یک دوره قبل استفاده می‌گردد (بارت و دیگران، ۲۰۰۳)

$$CFO_{i,t+1} = \alpha_0 + \beta_1 CFO_{i,t} + \beta_2 \Delta AR_{i,t} + \beta_3 \Delta INV_{i,t} + \beta_4 \Delta AP_{i,t} + \beta_5 \Delta DEPR_{i,t} + \beta_6 OTHER_{i,t} + \varepsilon_{i,t+1}$$

CFO: جریان نقدی حاصل از عملیات

$\beta_2 \Delta AR_i$: تغییر در حساب‌های دریافتنی

$\beta_3 \Delta INV_i$: تغییر در موجودی‌ها

$\beta_4 \Delta AP_i$: تغییر در حساب‌های پرداختنی و بدهی‌های معوق

$\beta_5 \Delta DEPR_i$: هزینه استهلاک دارایی‌های ثابت مشهود و نا مشهود

OTHER: خالص سایر اقلام تعهدی که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$OTHER = OP - (CFO + \Delta AR + \Delta INV + \Delta AP + DEPR)$$

OP: سود عملیاتی

ε : مقدار خطا که فرض می‌شود دارای میانگین صفر و واریانس ثابت باشد.

معیار تجربی اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی، قدر مطلق پس‌ماندها یعنی $|e_{i,t+1}|$ RES می‌باشد. هر قدر پس‌ماندها کوچکتر باشد بیانگر دقت اطلاعات مالی و کیفیت بالای گزارشگری مالی می‌باشد.

متغیر تعدیل کننده

۱. اجتناب مالیاتی (TA)

it Tax avoidance: بیانگر اجتناب مالیاتی شرکت i در سال t می‌باشد. برای محاسبه اجتناب مالیاتی

از روش های متعددی که عموماً مبتنی بر نرخ موثر مالیاتی می باشد استفاده می شود. نکته قابل توجه اینکه برای بررسی اجتناب مالیاتی می بایست باتوجه به شرایط محیطی، از مدلی استفاده نمود که بتوان فعالیت های اجتناب مالیاتی شرکت ها را بهتر اندازه گیری نمود. در این خصوص بدیهی است که می بایست همواره به قوانین و مقررات مالیاتی محیط مورد بررسی توجه لازم نمود. مدل مورد استفاده برای عملیاتی کردن اجتناب مالیاتی به صورت ذیل می باشد:

نرخ واقعی مالیات - نرخ قانونی مالیات = اجتناب مالیاتی

نرخ واقعی مالیات شرکت از تقسیم هزینه مالیات بر درآمد بر درآمد قبل از کسر مالیات به دست می آید. این نرخ نشان می دهد مالیات بر درآمد شرکت چند درصد درآمد قبل از کسر مالیات می باشد.

متغیرهای کنترل

۱. اندازه شرکت (SIZE)^۱: زیمرمن (۱۹۸۳)^۲ بیان می کند که شرکت های بزرگ تر به علت وجود حساسیتهای سیاسی بیشتر، محافظه کاری بیشتری اعمال می نمایند (تئوری هزینه سیاسی). اندازه شرکت از طریق لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی های شرکت اندازه گیری می شود.

۲. اهرم مالی (LEV)^۳: اهرم مالی از طریق رابطه زیر به دست می آید:

$$LEV = \frac{\text{کل بدهی ها}}{\text{کل دارایی ها}}$$

۳. چرخه عملیاتی (OC)^۴: هرچه مدت چرخه عملیاتی شرکت بیشتر باشد، سودهای تعهدی دیرتر به شکل نقدی وصول شده، مسیربایی تبدیل بخش تعهدی به بخش نقدی با مشکل روبه رو می شود و برای شرکت مشکلاتی را از قبیل عدم تقارن اطلاعاتی، مشکلات نمایندگی به وجود آورد و در نتیجه این امر می تواند به فزونی هزینه سرمایه شرکت منجر شود. این متغیر از طریق رابطه زیر اندازه گیری می شود:

لگاریتم { (مطالبات \ فروش) + (موجودی کالا \ بهای تمام شده کالای فروش رفته) } $\times 360$

۷- روش تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها

یافته های توصیفی

جدول زیر، شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می دهد:

1. Firm Size
2. Zimerman
3. Leverage
4. Operating Cycle

جدول (۲) - آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص‌ها	OG	COMP	PROF	OWCO	TA	FRQ	SIZE	LEV	OC
میلگین	۱۴/۵۹	۰/۲۲۷	۰/۲۸۴	۰/۳۳۲	۰/۱۲۲	۰/۰۹۰	۱۳/۸۳	۰/۵۷۵	۵/۴۲۷
ماکزیمم	۷۰۲/۰۶	۰/۴۷۸	۰/۹۹۹	۰/۹۸۹	۰/۲۲۵	۰/۸۵۷	۱۹/۰۰۹	۰/۹۹۶	۷/۲۶۶
مینیمم	۰/۵۴۲	۰/۰۶۰	-۰/۸۵۸	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۶	۹/۹۴۹	۰/۰۱۲	۱/۵۸۰
انحراف معیار	۴۲/۹۱	۰/۱۳۱	۰/۱۷۳	۰/۲۰۷	۰/۰۷۸	۰/۰۹۱	۱/۴۸۳	۰/۱۸۶	۰/۶۲۶

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر فرصت‌های رشد برابر با (۱۴/۵۹) می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. مقادیر انحراف معیار متغیرها نشان می‌دهد فرصت‌های رشد و اجتناب مالیاتی به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان پراکندگی می‌باشند.

آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش

نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S) در جدول (۳) آورده شده است:

جدول (۳) - نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S)

آزمون	OG	COMP	PROF	OWCO	TA	FRQ	SIZE	LEV	OC
آماره Z	۱۳/۰۳۱	۴/۹۰۳	۱/۸۷۳	۳/۱۳۵	۴/۰۳۷	۱/۲۶۵	۲/۷۶۱	۱/۴۰۳	۲/۷۶۶
Sig	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۸۱	۰/۰۰۰	۰/۳۹	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

در جدول (۳)، سطح معنی‌داری در متغیر وابسته که بیشتر از ۵ درصد است، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت متغیر فوق دارای توزیع نرمال هستند.

آزمون ناهمسانی واریانس فرضیه‌های پژوهش

جهت بررسی ناهمسانی واریانس پسماندها، از آزمون بروش-پاگان-گادفری استفاده شده که نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است:

جدول (۴) - نتایج آزمون ناهمسانی واریانس فرضیه‌های پژوهش

احتمال	آماره آزمون	فرضیه‌های پژوهش
۰/۸۴۷۳	۰/۳۴۵۳	اول

احتمال	آماره آزمون	فرضیه‌های پژوهش
۰/۷۲۹۵	۰/۵۰۸۴	دوم
۰/۷۲۲۹	۰/۵۱۷۴	سوم
۰/۶۶۷۸	۰/۵۹۳۰	چهارم
۰/۸۹۸۶	۰/۳۶۹۲	پنجم
۰/۴۶۲۹	۰/۹۴۳۴	ششم
۰/۸۵۸۲	۰/۴۳۱۴	هفتم
۰/۵۰۵۳	۰/۸۸۴۹	هشتم

منبع: یافته‌های تحقیق

در جدول فوق، احتمال فرضیه‌های پژوهش بیشتر از ۵ درصد است؛ بنابراین فرض ناهمسانی واریانس جملات اخلاص رد می‌شود.

آزمون F لیمر (چاو) و آزمون هاسمن

نتایج آزمون F لیمر (چاو) و آزمون هاسمن برای فرضیه‌ها در جدول ارائه شده است:

جدول (۵) - نتایج آزمون F لیمر (چاو) و آزمون هاسمن

فرضیه‌های پژوهش	آزمون F لیمر (چاو)		آزمون هاسمن		روش اثرات
	F	p-value	F	p-value	
اول	۳/۷۲۷	۰/۰۰۰۰	۹/۳۵۱	۰/۰۵۲۹	تصادفی
دوم	۳/۷۱۷	۰/۰۰۰۰	۱/۳۹۲	۰/۸۴۵۶	تصادفی
سوم	۳/۷۲۹	۰/۰۰۰۰	۲/۵۳۳	۰/۶۳۸۷	تصادفی
چهارم	۳/۶۸۹	۰/۰۰۰۰	۲/۴۱۱	۰/۶۶۰۵	تصادفی
پنجم	۳/۶۸۵	۰/۰۰۰۰	۹/۶۸۸	۰/۱۳۸۴	تصادفی
ششم	۳/۷۳۴	۰/۰۰۰۰	۳/۲۱۱	۰/۷۸۱۸	تصادفی
هفتم	۳/۶۹۵	۰/۰۰۰۰	۳/۱۹۰	۰/۷۸۴۵	تصادفی
هشتم	۳/۶۵۴	۰/۰۰۰۰	۴/۴۷۳	۰/۶۱۲۹	تصادفی

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به اینکه مقادیر احتمال آزمون F لیمر برای فرضیه‌ها کمتر از ۵ درصد است؛ از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. همچنین، مقادیر احتمال آزمون هاسمن برای فرضیه‌ها بیشتر از ۵ درصد است؛

مدل اثرات تصادفی پذیرفته می‌شود.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج آزمون تأثیر عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه بر کیفیت گزارشگری مالی در جدول ۶ ارائه شده است. مقدار آماره دوربین- واتسون، بیانگر فرض عدم همبستگی بین خطاها پذیرفته می‌شود. ضریب تعیین مدل بیانگر این است که حدوداً ۳۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترل قابل توجیه است. مقدار احتمال مدل کمتر از ۵ درصد می‌باشد؛ بنابراین مدل کلی رگرسیون معنادار می‌باشد.

با توجه به سطح معناداری و ضریب رگرسیون ارائه شده برای عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه (فرصت‌های رشد، رقابت در بازار محصول، حاشیه سودآوری و مالکیت متمرکز)، می‌توان بیان کرد که فرصت‌های رشد بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد. اندازه شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معنادار دارد و اهرم مالی و چرخه عملیاتی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد.

جدول (۶) - خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

متغیرها	فرضیه اول			فرضیه دوم			فرضیه سوم			فرضیه چهارم		
	β	آماره t	احتمال	β	آماره t	احتمال	β	آماره t	احتمال	β	آماره t	احتمال
A	۲/۹۴	۲/۵۴	۰/۰۱	۲/۵	۲/۰۷	۰/۰۳۸۲	۲/۹۱۵۹	۲/۵۰۲	۰/۰۱	۳/۱۵۲	۲/۵	۰/۰۱
OG&- COMP&- PROF&OW- CO	۰/۲۵	۰/۴۱	۰/۶۸	۱/۳۴۶	۱/۰۶۳	۰/۲۸۷۸	۰/۳۰۵	۰/۵۳۳	۰/۵۹۳۹	-۰/۶۱۴	-۱/۴۳۲	۰/۱۵
SIZE	۰/۱۲	۲/۰۴	۰/۰۴	۰/۱۲۵	۱/۹۹۱	۰/۰۴۶۸	۰/۱۲۹	۲/۰۳۳	۰/۰۴۳۴	۰/۱۳۱	۱/۹۹۱	۰/۰۴
LEV	۰/۴۱	۰/۷۸	۰/۴۲	۰/۴۶۵	۰/۹۰۱	۰/۳۶۷۴	۰/۴۰۹	۰/۷۸۷	۰/۴۳۱۱	۰/۴۲۷	۰/۸۱۴	۰/۴۱
OC	۰/۰۶	۰/۵۲	۰/۶۰	۰/۰۸۰	۰/۶۸۴	۰/۴۹۳۹	۰/۰۵۴	۰/۴۷۰	۰/۶۳۸۵	۰/۰۵۵	۰/۴۷۵	۰/۶۳
دوربین- واتسون	۲/۳۲۶			۲/۳۲۷				۲/۳۲۳			۲/۳۴۰	
ضریب تعیین	۰/۳۹۰			۰/۳۹۰				۰/۳۸۹			۰/۳۸۹	
F احتمال	۰/۰۰۰۰			۰/۰۰۰۰				۰/۰۰۰۰			۰/۰۰۰۰	

جدول (۷) - خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

متغیرها	فرضیه پنجم			فرضیه ششم			فرضیه هفتم			فرضیه هشتم		
	β	آماره t	احتمال	β	آماره t	احتمال	β	آماره t	احتمال	β	آماره t	احتمال
α	۲/۸۹۰	۲/۴۸۱	۰/۰۱۳۳	۲/۷۷۵	۲/۲۱۵	۰/۰۲۷۰	۲/۸۰۸	۲/۳۹۱	۰/۰۱۷۰	۳/۲۵۸	۲/۶۲۵	۰/۰۰۸
OG	۰/۳۲۴	۰/۵۰۹	۰/۶۱۰۲	۰/۵۸۹	۰/۳۵۱	۰/۷۲۵۰	۰/۳۵۵	۰/۵۸۸	۰/۵۵۶۶	۰/۳۰۲	۰/۸۲۰	۰/۰۶۹
TL&- COMP&- PROF&OW- CO	۰/۹۳۷	۰/۷۸۶	۰/۴۳۱۶	۰/۸۶	۰/۲۰۷	۰/۲۲۷۵	۱/۰۲۵	۰/۶۶۴	۰/۵۰۶۴	۰/۷۶۷	۰/۸۵۸	۰/۳۹۰
OG*TA& OG*COMP& OG*PROF& OG*OWCO	۰/۰۰۱	۰/۷۲۵	۰/۴۶۸۲	۱۴/۳۰	۱/۵۲۲	۰/۱۲۸۳	۰/۶۴۶	۰/۱۶۹	۰/۸۶۵۲	۶/۴۳۱	۱/۲۵۱	۰/۲۱۱
SIZE	۰/۱۲۵	۱/۹۶۶	۰/۴۹۶	۰/۱۲۵	۱/۹۸۵	۰/۴۷۵	۰/۱۳۲	۱/۹۷۹	۰/۴۸۱	۰/۱۴۲	۲/۱۳۳	۰/۰۳۳
LEV	۰/۳۲۰	۰/۵۹۴	۰/۵۵۲۲	۰/۵۰۳	۰/۹۳۲	۰/۳۵۱۳	۰/۲۵۴	۰/۴۲۱	۰/۶۷۳۲	۰/۳۱۲	۰/۵۶۵	۰/۵۷۱
OC	۰/۰۷۱	۰/۶۱۰	۰/۵۴۱۸	۰/۱۰۶	۰/۸۹۱	۰/۳۷۳۲	۰/۰۶۲	۰/۵۲۲	۰/۶۰۱۵	۰/۰۵۷	۰/۴۸۳	۰/۶۲۸
دوربین - واتسون	۲/۳۳۶	۲/۳۳۴	۲/۳۳۴	۲/۳۳۴	۲/۳۳۴	۲/۳۳۴	۲/۳۳۲	۲/۳۳۲	۲/۳۳۲	۲/۳۳۲	۲/۳۳۲	۲/۳۳۲
ضریب تعیین	۰/۳۹۰	۰/۳۹۲	۰/۳۹۲	۰/۳۹۲	۰/۳۹۲	۰/۳۹۲	۰/۳۹۰	۰/۳۹۰	۰/۳۹۰	۰/۳۹۰	۰/۳۹۰	۰/۳۹۰
احتمال F	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰

۸- بحث و نتیجه‌گیری

باتوجه به نتایج حاصله از تحلیل آزمون رگرسیون، می‌توان این‌گونه بیان نمود که:

- فرصت‌های رشد بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد. شرکت‌هایی که از فرصت‌های فراوانی برای رشد برخوردار می‌باشند، بخش اندکی از ارزش خود را از دارایی‌های فعلی کسب می‌کنند و بالا بودن میزان این نسبت بیانگر حجم فرصت‌های رشد آینده شرکت می‌باشد.

طبق مبانی نظری پژوهش، شرکت‌های دارای فرصت‌های رشد از کیفیت گزارشگری مالی بالاتری برخوردارند؛ یعنی هرچه فرصت‌های رشد شرکت بالاتر رود، کیفیت گزارشگری مالی نیز افزایش می‌یابد. اما نتایج پژوهش بیانگر این است که کیفیت گزارشگری مالی تحت تأثیر فرصت‌های رشد قرار نمی‌گیرد.

دلیل این امر می‌تواند ناشی از عدم واکنش بازار و سرمایه‌گذاران نسبت به فرصت‌های رشد باشد و این موضوع نشان‌دهنده عدم شناخت کافی سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه ایران از این مفهوم می‌باشد. نتایج پژوهش با یافته کوهن (۲۰۰۴) همخوانی دارد.

- رقابت در بازار محصول بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد. ورکچپا (۱۹۸۳) معتقد است که رقابت موجود در بازار محصول مانع از انتشار گزارش‌های مالی باکیفیت می‌شود و شرکت‌ها در بازارهای رقابتی، اطلاعات مالی را با محتوای پایین گزارش می‌کنند. هریس (۱۹۹۸) بیان می‌دارد در صنایعی که میزان رقابت پایین است، احتمال افشای مناسب عملیات در آن اندک است. کوهن (۲۰۰۴) اثبات می‌کند در صنایعی که شدت رقابت پایین است، احتمال گزارش اطلاعات مالی باکیفیت در آنها کم است. نتایج پژوهش بیانگر این است که در یک محیط رقابتی، نه تنها مدیران واحدهای تجاری تمایل ندارند تا با ایجاد یک فضای اطلاعاتی، هزینه‌های سیاسی و مالکانه افشای اطلاعات را کاهش داده و مزیت رقابتی خود را حفظ نمایند، بلکه هیچ واکنشی برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی نسبت به رقابت در بازار محصول نشان نمی‌دهند. نتایج پژوهش با یافته‌های کوهن (۲۰۰۴) و غیوری مقدم و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت ندارد.

- حاشیه سودآوری بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد. پیوتراسکی (۲۰۰۳) اثبات می‌کند که بالا بودن حاشیه سودآوری موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. کوهن (۲۰۰۴) بین حاشیه سودآوری و کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی یافت و معتقد است که شرکت‌های با قدرت سودآوری بالا با هزینه‌های محرمانه زیادی روبه‌رو هستند. همانند سرمایه‌گذاران، تولیدکنندگان نیز به دنبال تولید محصولاتی هستند که بیشترین میزان بازدهی را کسب نمایند و هرگاه نرخ بازدهی برای صنعت معینی فراتر از نرخ‌های بازدهی مورد توقع متناسب با ریسک آن باشد، سایر شرکت‌ها نیز وارد آن صنعت شده و عرضه را افزایش خواهند داد و حتی موجب کاهش قیمت‌ها خواهند شد و این شرایط تا زمانی ادامه دارد که نرخ بازده به دست آمده مطابق با ریسک موجود در آن صنعت گردد. ایجاد تمایز بین حالتی که برخی شرکت‌ها در صنعت، سودهای بالا کسب می‌کنند و حالتی که تمام یا تعداد زیادی از شرکت‌ها از سودهای بالا منتفع می‌شوند، سودمند است. هنگامی که تنها برخی از شرکت‌ها در صنعت، سودهای بالا کسب می‌کنند ممکن است نشانگر آن باشد که بازار به‌نحو کارا عمل نمی‌کند. با توجه به مطالب فوق، کیفیت گزارشگری مالی تحت تأثیر حاشیه سودآوری قرار می‌گیرد. اما در بازار سرمایه ایران کیفیت گزارشگری مالی نمی‌تواند تحت تأثیر حاشیه سودآوری قرارگیرد که دلیل آن می‌تواند ناشی از

عدم واکنش بازار و عکس العمل سهامداران شرکت‌ها نسبت به حاشیه سودآوری باشد. مالکیت متمرکز بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد. کوهن (۲۰۰۴) نشان داد شرکت‌هایی که مالکیت آنها به صورت پراکنده است، به احتمال زیاد اطلاعات مالی با کیفیت فراهم می‌کنند. بر اساس فرضیه نظارت فعال، تمرکز مالکیت موجب می‌شود که بلوک‌داران، رفتار مدیران را در ارتباط با گزارش اطلاعات مالی بی‌کیفیت اصلاح کنند و در نهایت کیفیت گزارشگری مالی را ارتقاء دهند. اما مالکیت متمرکز را نمی‌توان به عنوان عامل تأثیرگذار بر کیفیت گزارشگری مالی در بازار سرمایه ایران دانست. این موضوع به بی‌انگیزه بودن سهامداران عمده شرکت‌های ایرانی برمی‌گردد که هیچ‌گونه واکنشی به کیفیت گزارشگری مالی نشان نمی‌دهند. نتایج پژوهش با یافته رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) مطابقت ندارد.

اجتناب مالیاتی بر ارتباط بین عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه (فرصت‌های رشد، رقابت در بازار محصول، حاشیه سودآوری و مالکیت متمرکز) و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر ندارد. توضیح اینکه اجتناب مالیاتی بر رابطه بین عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه و کیفیت گزارشگری مالی در بازار سرمایه ایران مشمرثمرتر نمی‌باشد و به عبارتی نقش اجتناب مالیاتی در این ارتباط مؤثر تلقی نمی‌گردد؛ دلیل این امر، کم‌توجهی سهامداران، سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان شرکت‌ها به مسأله عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه و اجتناب مالیاتی می‌تواند باشد که البته در این امر نمی‌توان شرایط حاکم بر بازار سرمایه ایران را نادیده گرفت. به عبارتی، چنین به نظر می‌رسد که در محیط شرکت‌های ایرانی از جانب سهامداران، سرمایه‌گذاران، مدیران و سایر ذینفعان شرکت‌ها روی عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه و اجتناب مالیاتی مانوری صورت نمی‌گیرد تا کیفیت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهد.

فهرست منابع

۱. بولو، قاسم (۱۳۸۶). هزینه حقوق صاحبان سهام و ویژگی‌های سود، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۲. کرمی، م. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک.
۳. کمیته تدوین استانداردهای حسابداری (۱۳۸۶). استانداردهای حسابداری، چاپ نهم، انتشارات سازمان حسابرسی، تهران.
۴. مشایخ، شهناز و مریم اسماعیلی (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین کیفیت سود و برخی از جنبه‌های اصول راهبری شرکت، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۵.
۵. نوروش، ایرج، ناظمی، امین و مهدی حیدری (۱۳۸۵). کیفیت اقلام تعهدی و سود با تأکید بر نقش خطای برآورد اقلام تعهدی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۳.
۶. نوروش، ایرج (۱۳۴۷). بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و تعداد حسابرسان آموزش دیده در واحدهای تجاری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال ششم، شماره ۲۴ و ۲۵.
۷. نیکومرام، هاشم و یونس بادآور نهندی (۱۳۸۸). تبیین و ارائه الگویی برای تعیین و ارزیابی عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران، رساله دکتری، رشته حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
8. Abdolmohammadi, M., R. Simnett, J. C. Thibodeau, & A. M. Wright (2006). Sell-side Analyst's Reports and the Current External Reporting Model. Accounting Horizons 20, 4: 375-389.
9. Allingham, Michael G. & A. Sandmo (1972). "Income Tax Evasion: A Theoretical Analysis". Journal of Public Economics, 1: 323-338.
10. Biddle, G., G. Hillary & R. Verdi (2009). How does Financial Reporting Quality Improve Investment Efficiency?, Journal of Accounting and Economics, 48:112-138.
11. Barth, M. E., D., Cram, & K., Nelson (2001). Accruals and the Prediction of Future Cash Flows, the Accounting Review 76, 25-58.

12. Cohen, A. (2004). Quality of Financial Reporting Choice Determinants and Consequences. A Dissertaion of Northwestern University.
13. Darrough, M. (1993). Disclosure Policy and Competition: Cournot vs. Bertrand, *Accounting Review* 68(3): 534-56.
14. Dechow, M., G. Sloan, & P. Sweeney (1995). Detecting Earnings Management. *The Accounting Review* 7, 193-225.
15. Dechow, P. & Dichev, I. (2002). The Quality of Accruals and Earnings: the Role of Accrual Estimation Errors. *The Accounting Review* 77. (Supplement): 35-59.
16. Desai, M., Dharmapala, D., & Fung, W. (2007). Taxation and the Evolution of Aggregate Corporate Ownership Concentration in: Auerbach, A., Hines, J., Slemrod, J. (Eds.), *Taxing Corporate Income in the 21st Century*. Cambridge University Press, New York, 345–383.
17. Fan, Q., & X. Zhang (2005). Conservatism and Accounting Information Quality, Working Paper, University of California.
18. FASB (1978). Objectives of Financial Reporting by Business Enterprise, Statement of Financial Accounting Concepts no. 1.
19. Graham, R. J., C. R., Harvey, & S., Rajgopal (2005). The Economic Implications of Corporate Financial Reporting, *Journal of Accounting & Economics* 40, 3–73.
20. Hagerman, L., & E. Zmijewski (1979). Some Economic Determinants of Accounting Policy Choice, *Journal of Accounting and Economics* 1: 141-161.
21. IASCF (2007). A Guide through International Financial Reporting Standards, IASCF Publication Department, United Kingdom, London.
22. Miller, B. W. & R. Bahnson (1999). Quality Financial Reporting: Way You Need in and How to Implement it. Working Paper. University of Colorado_Springs.
23. Mills, L. F. & Kaye J. Newberry (2001). The Influence of Tax and Non-tax Costs on Book Tax Reporting Differences: Public and Private Firms. *The Journal of the American Taxation Association*, 23(1): 1-19.

24. Rajgopal, S., & M. Venkatachalm (2005). Financial Reporting Quality and Idiosyncratic Return Volatility over the Last Four Decades, Empirical Research, University of Washington.
25. Sun, J. (2005). Financial Reporting Quality, Capital Allocation Efficiency, Financing Structure: An International Study, A Dissertation, Shanghai University.
26. Vafeas, N. (2000). Board Structure and the Informativeness of Earnings, Journal of Accounting and Public Policy 19, 139 – 160.
27. Verdi, S. (2006). Financial Reporting Quality and Investment Efficiency, University of Pennsylvania.